

## صیاد شیرازی به روایت سرلشکر فیروزآبادی

۲۴ فروردین ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۴۷

سرلشکر فیروزآبادی گفت: سپهبد علی صیاد شیرازی همیشه حرفهایش را با یک ذکر شروع می‌کرد. بسیار فروتن بود و ترس از خدا در وجودش موج می‌زد. تسلط عجیبی بر خود و نفس خود داشت. بسیار منظم و مرتب بود. قلب قوی و روحیه استوار داشت.

سرلشکر دکتر سید حسن فیروزآبادی از شهید سپهبد علی صیاد شیرازی، به درازای تاریخ انقلاب خاطره دارد. با این همه ارتباط وی با آن یار رفته، پس از پایان دفاع مقدس و آغاز دور جدیدی از همکاری، بس نزدیک تر و پرثمرتر شد. در گفت و شنودی که پیش رو دارید، وی به پاره ای از خاطرات و گفتنی‌های خویش از دوست دیرین خود اشاره کرده است.

\* آشنایی جناب عالی با شهید سپهبد صیاد شیرازی به چه دوره ای باز می‌گردد؟ در آن دوره ایشان را به لحاظ خصال شخصیتی چگونه یافتید؟

بسم الله الرحمن الرحيم. در مشهد بودم که شنیدم در ارتش، یک افسر متدین و انقلابی هست که بنی‌صدر با او دشمن شده است! بار دوم در هنگام تشکیل جهاد سازندگی در ۲۷ خرداد سال ۵۸ نامش را شنیدم. شهید صیاد شیرازی یک بار به عنوان سخنران، به جلسه جهاد آمد. پایش شکسته بود و با عصا راه می‌رفت. هنگامی که سخنرانی می‌کرد، حضار بارها با تکبیر حرفهایش را تأیید کردند. در آن دوران، حضرت امام در برابر رفتارهای بنی‌صدر، دستور به صبر داده بودند، با این حال شهید صیاد شیرازی با نهایت قدرت و شجاعت، آگاهی بخشی می‌کرد. در همان دوران بود که نقش شهید صیاد شیرازی، به عنوان نیروی مقابل بنی‌صدر برجسته شد. من در آن زمان دانشجوی رشته پزشکی در مشهد بودم و خیلی از این جریانات خبر نداشتم. بعدها شهید صیاد موضوع را برایم توضیح داد.

\* علت این اصرار ایشان در مواجهه با بنی‌صدر، به رغم شرایط موجود در آن دوره چه بود؟

شهید صیاد وقتی به یقین می‌رسید، امکان نداشت برگردد یا سازش کند. در آن روزها، نیروهای انقلابی درگیر جنگ بودند. مسئله کردستان و خطر تجزیه کشور هم وجود داشت. ماهیت بنی‌صدر هم هنوز برای همه روشن نبود. شهید صیاد به عنوان فرمانده یگانی در کردستان، توانسته بود ضد انقلاب را در برخی از نقاط سرکوب کند. بنی‌صدر ایشان را احضار کرد، ولی شهید صیاد نرفت. او هم ایشان را عزل کرد! بعد از جریان ۱۴ اسفند دانشگاه تهران و نهایتاً عزل بنی‌صدر به فاصله چندماه، شهید صیاد

من در آن مقطع در تهران و عضو شورای مرکزی جهاد سازندگی بودم و همراه اعضای شورا و مهندس فروزش به دفتر ایشان در نیروی زمینی رفتیم که ببینیم چه کاری از دستمان برمی آید. هنگام نماز مغرب بود که رسیدیم. نماز اول وقت شهید صیاد، هیچ وقت ترک نمی شد. من تصور می کردم حالا در دفتر ایشان به عنوان فرمانده نیروی زمینی وضعیت خاصی را می بینم، اما یک اتاق بسیار ساده، ولی فوق العاده مرتب و منظم و یک انسان متقی و باصفا و آرام را دیدم که می شد خیلی راحت با او ارتباط برقرار کرد.

\*نحوه همکاری شما و شهید صیاد در جنگ به چه شکل بود؟ بیشتر در چه حوزه‌هایی تعامل داشتید؟

جهاد سازندگی ستادهای مهندسی خود را از تمام کشور به مناطق جنگی فرستاد. در اوایل جنگ تنها نیروهای فعال جبهه عبارت بودند از ارتش، سپاه، جهاد سازندگی، نیروهای شهید دکتر چمران و چند نیروی کوچک از جمله نیروهای آقای خلخالی. جهاد سازندگی تا آخرین روز جنگ در خدمت ارتش و سپاه بود. بچه‌های جهاد با شهید صیاد بسیار رابطه صمیمانه‌ای داشتند.

\*از تلاش‌های ایشان برای هماهنگی با سپاه چه خاطراتی دارید؟

من بعدها، معاون دفاعی نخست‌وزیر و جانشین ایشان در قرارگاه خاتم الانبیا(ص) شدم. یک هفته پس از ورودم به قرارگاه، شهید صیاد آمد و به عنوان فرمانده ارتش تلاش کرد با فرمانده سپاه هماهنگ شود و با هم طرح‌های نظامی مقابله با دشمن را پیش ببرند. در این برهه بود که پیروزی‌هایی چون فتح‌المبین و بیت‌المقدس محقق شدند و خرمشهر هم در عملیات طریق‌القدس آزاد شد. اینها برکات عملیات مشترک ارتش و سپاه بودند که در سایه ایمان و صفای باطن و درک انقلابی شهید صیاد از همکاری ارتش و سپاه، شکل گرفتند.

یادم هست بالای نقشه‌ای که شهید صیاد می آورد نوشته شده بود: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»  
 ۱ همیشه هم حرفهایش را با یک ذکر شروع می کرد. بسیار فروتن بود و ترس از خدا در وجودش موج می زد. تسلط عجیبی بر خود و نفس خود داشت. بسیار منظم و مرتب بود. قلب قوی و روحیه استوار داشت، نمونه بارز آیه «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» ۲ بود.

فرمانده نیروی زمینی ستون فقرات ارتش و به همین دلیل فرمانده قرارگاه هم بود و محور اصلی عملیات را او تعیین می کرد، اما او با نهایت فروتنی با فرمانده سپاه، جناب محسن رضایی همکاری می کرد و این دو توانستند آن موفقیت‌های عظیم را در عملیات‌ها کسب کنند.

ایشان چه از لحاظ روحیه انقلابی و چه از نظر شجاعت و علم ویژگی‌های یک فرمانده را داشت. در آن شرایط پذیرفتن فرماندهی

ارتش کار دشواری بود، ولی وقتی ایشان در برابر بنی صدر خائن ایستاد و بعد هم فرمانده نیروی زمینی شد، همه با جان و دل او را پذیرفتند. همه ارتشی‌ها با افتخار از او یاد می‌کردند.

\* پس از پایان جنگ، شهید صیاد شیرازی بازرسی نیروهای مسلح شد و عامل این پیشنهاد هم جنابعالی بودید. از این دوران چه خاطراتی دارید؟

شهید صیاد را، من به عنوان بازرسی کل به آقا پیشنهاد دادم. آقا هم دستور دادند و شهید صیاد با نهایت فروتنی پذیرفت و بسیار قوی و گسترده کارش را شروع کرد. دوران بازرسی ایشان بسیار پر برکت بود، چون همه ارتشی‌ها و سپاهی‌ها و مردم به ایشان اعتماد داشتند. شهید صیاد شبانه‌روز کار و با صبر و حوصله و دقت و انضباط، اختلافات را حل می‌کرد.

برنامه‌های اجرایی‌اش، بر اساس دقیقه مشخص می‌شدند! همیشه شروع بیداری اش، نیم ساعت قبل از اذان صبح بود. بعد از نماز صبح، ورزش صبحگاهی و بعد هم صرف صبحانه بود. این همه نظم و انضباط برای افراد بی تجربه سخت بود، ولی نظامی‌های جنگ دیده عادت داشتند. بعضی از مدیران دولتی تحمل نظم و دقت او را نداشتند.

در مدتی که شهید صیاد معاون بازرسی ستاد کل بود، بیش از ۱۰۰ مورد اختلاف بین یگانها و مناطق نظامی و مسائل داخل شهری، در سایه توان بالای شخصیتی وی حل شدند. همه او را عادل و امین می‌دانستند، به همین دلیل وقتی بررسیها و نتیجه‌گیریهایش ابلاغ می‌شدند، همه به آنها عمل می‌کردند. شهید صیاد و عده زیادی از انقلابیون، انقلاب را از خودشان می‌دانستند و بخش اعظم وقت و توجه خود را به حفظ انقلاب اختصاص می‌دادند. شهید صیاد به رهبری و ولایت فقیه یقین کامل داشت، لذا هر مأموریتی را با دل و جان می‌پذیرفت و انجام می‌داد.

\* از طرحها و برنامه‌های ایشان در دوران پس از دفاع مقدس، برای ارتقای بینش و اندیشه افسران چه خاطراتی دارید؟

ایشان بسیار خوش فکر بود و طرحهای جالبی می‌داد. سه چهار سال بعد از جنگ در صحبتی با من این موضوع را مطرح کرد که افسران امروز قرار است فرماندهان بزرگ فردا باشند، بنابراین باید تحت آموزشهای خاصی قرار بگیرند. خودش برایشان کلاس و اردو می‌گذاشت و درباره دفاع مقدس برایشان توضیح می‌داد. نتیجه این اقدامات، تشکیل هیئت معارف جنگی بود تا از آن طریق تجربیات جنگ را به افسران آینده منتقل کنیم. شهید صیاد برای تشکیل این هیئت از آقا اجازه گرفت و دانشگاه امام علی «ع» هم امکانات لازم را در اختیارش قرار داد و او تا آخر عمر این کار را ادامه داد. در این برنامه شهید صیاد برای گروههای حدوداً ۸۰ نفری، برنامه دقیقی را که شامل شرکت در جبهه‌ها و مناطق عملیاتی سابق می‌شد، طراحی می‌کرد و وضعیتهای قبل و حین حمله را برای دانشجویان توضیح می‌داد.

\* از ارتباط روحی و معنوی شهید با رهبر معظم انقلاب برایمان بگویید؟

حضرت آقا به خاطر خلوص شهید به او علاقه خاصی داشتند. من در ملاقاتها محبت طرفین را کاملاً احساس می‌کردم. در مراسم تشییع شهید هم که ملاحظه کردید که حضرت آقا بر تابوت شهید بوسه زدند که نشانه اوج علاقه ایشان به شهید بود.

\* از دیدگاه شما، ویژگی‌هایی اخلاقی بارز شهید کدام بودند؟

مهم‌ترین ویژگی ایشان تواضع بود. هر جا که ایشان را برای سخنرانی دعوت می‌کردند، چه وزارتخانه بود چه نماز جمعه یا مسجد یک روستا یا بسیج فلان شهرستان یا خانه یک دوست، می‌پذیرفت. می‌گفت: «من عاشق مردم هستم و دلم می‌خواهد با آنها صحبت کنم.» با مردم ارتباط صمیمی و نزدیکی داشت. دائماً در حال کار بود و همیشه هم کارش را با اخلاص انجام می‌داد. شهید صیاد خود را سپاهی می‌دانست و ارتباطش را با بسیجیها حفظ می‌کرد.

انضباط مطلق ویژگی دیگر وی بود. از سرباز انضباط مطلق می‌خواست و در خارج از محیط کار، با همه صمیمی بود، اما در محیط کار از همه انضباط مطلق می‌خواست و در برابر همه با انضباط و محکم بود.

\* به نظر شما چرا منافقین ایشان را ترور کردند؟ انتخاب این گزینه از چه روی صورت گرفت؟

ایشان در تمام عملیاتهای پیروز از جمله طریق‌القدس، بیت‌المقدس و فتح‌المبین فرمانده ارتش بود و توانست بین ارتش و سپاه اتحاد به وجود بیاورد که منجر به پیروزیهای عظیمی شد. صدام به شدت به شهید صیاد کینه داشت و به شخص رجوی مأموریت داده بود که ایشان را ترور کنند.

\* و سخن آخر؟

ایشان چه در زندگی چه پس از شهادت الگوست. او در تفکر فرماندهان امروز نیروهای مسلح حضور دارد.

منبع:فارس

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۰۰۷۴/فیروزآبادی-سرلشکر-روایت-شیرازی-صیاد>